

آلمانی ۲، تاکید بر حقوق هسته‌ای و اصل تناسب

ایران در مذاکرات آلمانی ۲، ضمن تاکید بر حقوق هسته‌ای خود در چارچوب ان‌پی‌تی، منتظر آن است که طرف غربی در پیشنهاد های هسته‌ای خود، اصل تناسب را رعایت کند.



راهبرد دیپلماتیک ایران در برابر ۵+۱

آلمانی ۲، تاکید بر حقوق هسته‌ای و اصل تناسب

ایران در مذاکرات آلمانی ۲، ضمن تاکید بر حقوق هسته‌ای خود در چارچوب ان‌پی‌تی، منتظر آن است که طرف غربی در پیشنهاد های هسته‌ای خود، اصل تناسب را رعایت کند.

مساله هسته‌ای ایران بدون تردید این روزها مساله‌ای بسیار مهم در سطح بین‌المللی است و از جهت جلب توجه در رسانه‌ها و افکار عمومی، می‌توان گفت در مجموع پس از بحران سوریه از جایگاه دوم برخوردار است.

غرب و رسانه‌های پر شمارش در تلاشی آشکار برای دامن زدن به ایران‌هراسی، از برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان خطری برای جامعه بین‌المللی یاد می‌کنند و این در حالی است که سندی مبنی بر تلاش ایران برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی در اختیار ندارند.

با وجود این خبر سازی‌ها و فشارهای بین‌المللی نظیر تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده و اتحادیه اروپا بر ضد ایران، جمهوری اسلامی همچنان برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز خود را به پیش می‌برد و گزارش‌های متعدد آژانس هم نشان از آن دارند که روند پیشرفت این برنامه، همچنان ادامه دارد.

در کنار پیشرفت در برنامه هسته‌ای، ایران در مذاکرات با شش کشور موسوم به 5+1 (پنج عضو دائم شورای امنیت به علاوه آلمان)، تلاش دارد تا ضمن دفاع از حقوق هسته‌ای خود به پیشرفت در مذاکرات بر مبنای راهبرد 171#& گفتگو همکاری راquo دست پیدا کند. در این راستا کشورمان بسته‌های پیشنهادی مشخصی را هم ارائه کرده است اما تا قبل از مذاکرات آلمانی 1، برخورد طرف غربی با ایران به‌گونه‌ای بود که راه را برای هرگونه توافق و همکاری می‌بست.

در مذاکرات آلمانی 1، آن‌گونه که سعید جلیلی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران اشاره کرده است، برخی ابعاد دیدگاه‌های طرف غربی واقع‌گرایانه‌تر شده است اما این بدان معنا نیست که کاملا واقع‌گرایانه است. از این رو این سوال مطرح می‌شود که در آلمانی 2، ایران با چه گفتگویی می‌تواند ضمن تاکید بر حقوق هسته‌ای خود، مسیر دیپلماسی را در پیش گیرد؟

* تاکید بر حقوق هسته‌ای

ایران از ابتدای آغاز مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای خود با شش کشور، بر لزوم به رسمیت شناخته شدن حقوق هسته‌ای خود تاکید کرده است. در خصوص این مساله که دستیابی به چرخه سوخت هسته‌ای برای ایران نه صرفا یک انتخاب بلکه یک الزام جدی است، سخن فراوان گفته شده است. تقریبا تمام گروه‌های سیاسی معتقد به گفتمان انقلاب اسلامی علی‌رغم تمام اختلاف سلیقه‌هایی که در سایر عرصه‌ها با یکدیگر دارند، در این مساله که حقوق هسته‌ای ایران در چارچوب پیمان منع گسترش تسلیحات اتمی باید محفوظ باشد، توافق نظر دارند. اخیرا حتی 171#& اکبر اعتماد راquo رئیس سازمان انرژی اتمی ایران پیش از انقلاب اسلامی هم ایرانیان را به مقاومت برای حفظ حقوق هسته‌ایشان فراخوانده است در حالی که به نظر نمی‌رسد وی حتی در گفتمان انقلاب اسلامی بگنجد. پس حساسیت مساله کاملا روشن است.

شاید اکنون به جهت فراوانی منابع نفت در ایران، هنوز عده‌ای به فوریت و اهمیت مساله دستیابی به چرخه سوخت هسته‌ای در ایران پی نبرده باشند اما واقعیت آن است که دسترسی به منابع انرژی غیر از نفت در چند دهه آینده، به یکی از مسائلی تبدیل می‌شود که مستقیما با استقلال و حاکمیت کشور ارتباط برقرار می‌کند.

ایران برای مستقل ماندن، برای حاکمیت واقعی بر سرزمین خود و برای عدم وابستگی و اتخاذ مواضع سیاسی مستقل در سطح بین‌المللی، در آینده‌ای نه‌چندان دور، نیازمند خودکفایی در تولید سوخت هسته‌ای است. فرض کنید ایران بخواهد در عرصه بین‌المللی مواضع مستقل اتخاذ کند اما سرنوشت انرژی خود را به دست کشورهایی بسپارد که مواضعی کاملا مغایر با ایران داشته و حتی در عرصه بین‌المللی دشمن ایران محسوب می‌شوند! آیا چنین امری ممکن است؟

بدیهی است که ایران می‌خواهد مستقل بماند. هزینه‌های سنگینی که ملت ایران طی سی سال گذشته بلکه پس از انقلاب مشروطیت

پرداخته است، همه در راستای به دست آوردن استقلال، نفی وابستگی و اتکا به فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی بوده است. بنابراین، لازم است که در نیازهای حیاتی خود، خودکفا باشد.

امروز که نظام بین‌المللی محتاج منابع انرژی ایران است، برخورد با ایران به این تندی است، اگر ایران در منابع انرژی محتاج غرب باشد، برخورد آنها با ایران چگونه خواهد بود؟

* اصل تناسب

مذاکره یک ابزار دیپلماسی و در روابط بین‌الملل کاملاً مرسوم است. در هر مذاکره‌ای نوعی بده بستان بین طرفین یا اطراف مذاکره شکل می‌گیرد. اصل بده بستان در مذاکرات بین‌المللی مساله‌ای کاملاً پذیرفته شده است. اصولاً کشورها با نگاه به منافع ملی خود در حوزه منافع حاشیه‌ای، از برخی مسائل می‌گذرند تا در حوزه منافع حیاتی و مهم، به امتیاز دست پیدا کنند.

حق غنی‌سازی اورانیوم برای ایران در حوزه منافع مهم ملی محسوب می‌شود. اگر [171#&بقا»](#); را یگانه منفعت حیاتی ملی برای تمام کشورها در نظر بگیریم، حقوق هسته‌ای ایران به مثابه رینگ برای دفاع از بقا، در حوزه منافع مهم شناسایی می‌شوند. بنابراین اصل غنی‌سازی اورانیوم را نمی‌توان منفعتی قابل معامله دانست.

اما طبعاً در حوزه مساله هسته‌ای، برخی منافع حاشیه‌ای هم وجود دارند که البته تعیین مصادیق آنها با مقامات تصمیم‌گیرنده کشور و مستلزم در اختیار داشتن اطلاعات گسترده است. اگر چیزی بتواند در مذاکرات هسته‌ای برای چانه‌زنی در میان نهاده شود، همین منافع حاشیه‌ای است.

از منظر متفکران علوم سیاسی، منافع حاشیه‌ای به‌خودی خود دارای اهمیت نیستند بلکه از منظر حفظ منافع مهم دارای اهمیت‌اند. در واقع همان‌طور که منافع مهم رینگ حفاظتی از منافع حیاتی محسوب می‌شوند، منافع حاشیه‌ای نیز رینگ محافظت از منافع مهم هستند.

با این وصف، در صورتی که طرف غربی حاضر باشد تمام حقوق هسته‌ای ایران در چارچوب ان‌پی‌تی را به رسمیت شناسد، آنگاه این [171#&احتمال»](#); وجود دارد که بتواند با ایران بر سر برخی جوانب مساله هسته‌ای به توافق برسد. اما پیش از هرچیز باید به این نتیجه برسد که اصل حقوق هسته‌ای ایران نه قابل صرف‌نظر کردن است و نه قابل مذاکره.

از سوی دیگر، بنابر [171#&اصل تناسب»](#); در دیپلماسی، در برابر امتیازاتی که در حوزه منافع حاشیه‌ای می‌گیرند، باید به تناسب آن امتیاز بدهند. اگر اصل تناسب در مذاکرات رعایت نشود، طبعاً هیچ توافقی حاصل نخواهد شد. این مساله اصولاً ربطی به مذاکرات ایران و 5+1 ندارد و قاعده‌ای برای تمامی مذاکرات است.

ظاهراً مستمسک طرف غربی برای عدم رعایت مستمر اصل تناسب در پیشنهادهای ارائه شده به ایران، داشتن این تصور است که دست برتر در مذاکرات با طرف غربی است. مساله‌ای که تصور مزبور را در میان طرف‌های مذاکره‌کننده با ایران ایجاد کرده است، تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران است. این تصور وجود دارد که با توجه به کاهش فروش نفت ایران در بازارهای بین‌المللی و همچنین اعمال محدودیت‌های دسترسی به بازارهای مالی، ایران در موقعیت ضعف قرار گرفته و می‌توان بدون رعایت اصل تناسب از این کشور امتیاز خواست. متأسفانه در این میان برخی عملکردهای ضعیف مدیریتی در عرصه مقابله با آثار تحریم‌ها و برخی سیاست‌های اشتباه اقتصادی منجر به افزایش شدید نقدینگی، به تقویت تصور طرف غربی کمک کرده است.

با این حال، دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد این تصور طرف غربی از واقعیت به دور است. با وجود تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران، همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد، برنامه هسته‌ای ایران از رشدی قابل قبول برخوردار بوده است که اصلی‌ترین نماد شکست تحریم‌هاست؛ نباید فراموش کرد این تحریم‌ها اعمال شده‌اند که برنامه هسته‌ای ایران متوقف شود، امری که هرگز اتفاق نیفتاده است.

از سوی دیگر، همان‌طور که بسیاری از رسانه‌ها و تحلیلگران غربی اعتراف می‌کنند، اگرچه تحریم‌ها برای اقتصاد ایران آسیب‌هایی در پی داشته‌اند اما اقتصاد ایران همچنان بر پای خود ایستاده است و پیش‌بینی هم نمی‌شود که از هم بپاشد. ایران با توجه به موقعیت اقلیمی بی‌نظیر خود، قابلیت تامین بسیاری از نیازهای خود را دارد و موقعیتش از این منظر کم‌نظیر است.

به‌هر حال، ایران اگرچه با تحریم‌های بین‌المللی دچار سختی شده است اما خوشبین‌ترین تحلیلگران غربی هم باور ندارند که با تحریم دست از برنامه هسته‌ای خود بشوید، بنابراین عدم رعایت اصل تناسب در مذاکرات با آن تصور که پیش‌تر شرح آن رفت، طبعاً اشتباه

تاکتیکی طرف غربی است.

مساله این است که این اشتباه تاکتیکی می‌تواند سرانجام به شکست راهبردی مذاکرات بیانجامد. بنابراین اگر 5+1 به دنبال دیپلماسی است آن‌گونه که ادعا می‌شود بهتر است در آلمانی 2، ضمن به رسمیت شناختن حقوق هسته‌ای ایران، اصل تناسب را در گفتگوهای خود با ایران مدنظر داشته باشد.

* علیرضا کریمی